



«حلقات»

درس ۹۱

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار :

در درس‌های گذشته، به بیان دیدگاه‌های شهید صدر پیرامون دلایل عقلی پرداختیم و قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور و اشتراط قدرت بالمعنی الاعم را تبیین کردیم. ایشان در ادامه تبیین قواعد عقلی، به قاعده امکان وجوب مشروط می‌پردازند.

در بررسی این قاعده به عنوان مقدمه به بیان عقب‌شرط وجوب و شرط واجب پرداخته و با توجه به تحلیل این دو شرط، قاعده امکان وجوب مشروط را اثبات می‌کرد.

متن درس

قاعدة إمكان الوجوب المشروط للوجوب ثلاث مراحل و هي: الملاك، و الإرادة، و جعل الحكم.

و في كل من هذه المراحل الثلاث قد تؤخذ قيود معينة، فاستعمال الدواء للمريض واجب مثلاً. فإذا أخذنا هذا الواجب في مرحلة الملاك نجد ان المصلحة القائمة به هي حاجة الجسم إليه، ليسترجع وضعه الطبيعي، و هذه الحاجة منوطة بالمرض فان الإنسان الصحيح لا حاجة به إلى الدواء، و بدون المرض لا يتصف الدواء بأنه ذو مصلحة. و من هنا يعبر عن المرض بأنه شرط في اتصاف الفعل بالملاك و كل ما كان من هذا القبيل يسمى بشرط الاتصاف. ثم قد نفرض ان الطبيب يأمر بان يكون استعمال الدواء بعد الطعام، فالطعام هنا شرط أيضاً، و لكنه ليس شرطاً في اتصاف الفعل بالمصلحة، إذ من الواضح ان المريض مصلحته في استعمال الدواء منذ يمرض، و انما الطعام شرط في ترتب تلك المصلحة، و كيفية استيفائها بعد اتصاف الفعل بها، فالطبيب بأمره المذكور يريد ان يوضح ان المصلحة القائمة بالدواء لا تستوفي الا بحصة خاصة من الاستعمال، و هي استعماله بعد الطعام و كل ما كان من هذا القبيل يسمى بشرط الترتب تمييزاً له عن شرط الاتصاف. و شرب الدواء سواء كان مطلوباً تشريعياً من قبل الأمر، أو مطلوباً تكوينياً لنفس المريض له هذان النحوان من الشروط.

و شروط الاتصاف تكون شروطاً لنفس الإرادة في المرحلة الثانية، خلافاً لشروط الترتب فانها شروط للمراد، لا للإرادة من دون فرق في ذلك كله بين الإرادة التكوينية، و التشريعية.

قاعده امکان وجوب مشروط

انواع شروط تکلیف

الف) مقدمه وجوب:

این مقدمه، شرط فعلیت وجوب است؛ مانند استطاعت برای حج که برای فعلیت یافتن وجوب حج در حق مکلف باید این شرط حاصل شود و پیش از حصول آن، وجوبی نیست.

ب) مقدمه واجب:

این مقدمه، شرط تحقق متعلق وجوب است؛ مانند تهیه توشه و مرکب برای حج. برای ایجاد فعل واجب که اعمال حج است، تهیه آن ها نیاز است و بدون تحصیل این مقدمه، واجب محقق نمی شود.

شرط وجوب و شرط واجب ریشه در مبادی حکم دارند و منحصر در مرحله امتثال نیستند. مبادی حکم عبارتند از : ملاک، اراده و جعل. نمود شرط وجوب و شرط واجب در مبادی حکم متفاوت است.

شرط اتصاف و شرط اراده، ریشه های شرط وجوب هستند و شرط ترتب و شرط مراد، ریشه های شرط واجب می باشند.

نمودهای شرط واجب و شرط وجوب

مرحله ملاک ⇓	مرحله اراده ⇓	مرحله جعل ⇓
(۱) شرط اتصاف	(۱) شرط اراده	(۱) شرط وجوب
(۲) شرط ترتب	(۲) شرط مراد	(۲) شرط واجب

مرحله ملاک

در عالم ملاک دو نوع شرط وجود دارد:

الف) شرط اتصاف:

این شرط، شرط اتصاف فعل به مصلحت است و اگر نباشد، فعل مصلحت دار نمی شود؛ مانند مریضی نسبت به استعمال دارو. در صورتی استعمال دارو مصلحت دار می شود که مریضی حاصل شود، پس مریضی شرط اتصاف استعمال دوا به مصلحت است.

ب) شرط ترتب:

این شرط، شرط ترتب مصلحت بر یک فعل در خارج است. فعل در صورت تحقق شرط اتصافش، دارای مصلحت است؛ اما برای تحقق این مصلحت در خارج، نیاز به شروطی دیگر است که به آن شرط ترتب می گویند؛ برای نمونه دارو باید پس از خوردن غذا مصرف شود. خوردن غذا شرط اتصاف نیست؛ زیرا بدون آن هم، دارو برای مریض مصلحت دار است؛ اما برای این که این مصلحت حاصل شود و در خارج محقق گردد، باید مصرف دارو پس از غذا باشد.

۱۶:۰۸

نکته

هم در صورت مطلوبیت تکوینی و هم در صورت مطلوبیت تشریعی فعل، شرط اتصاف و شرط ترتب وجود دارد و تفاوتی بین این دو نوع مطلوبیت وجود ندارد.

مطلوبیت تشریعی زمانی است که مولی انجام فعل را از زیردستانش بخواهد و انجام واجبات و ترک محرمات از این قبیل اند.

مطلوبیت تکوینی زمانی است که مولی انجام فعل را به وسیله خود قصد کند؛ مانند خلق عالم که فعل خود خداوند است.

۲۰:۲۲

مرحله اراده

شرط اتصاف و شرط ترتب در مرحله اراده هم ایفای نقش می کنند و در این مرحله از آن ها به شرط اراده و شرط مراد یاد می شود.

شرط اراده

شرطی است که تا محقق نشود مولی اراده صدور فعل از خود یا دیگری را نمی کند. زمانی مولی نسبت به انجام فعل شوق پیدا می کند که شرط اراده حاصل شود.

مريض شدن که شرط اتصاف مصرف دارو به مصلحت بود، در این مقام شرط اراده مولی برای صدور فعل است و بدون مریضی، اراده مصرف دارو هم نمی‌شود.

شرط مراد

شرط ترتب در این مرحله «شرط مراد» نامیده می‌شود و تا محقق نشود، مراد مولی از فعل محقق نمی‌گردد؛ مانند این که مصرف دارو مشروط است به این که پس از خوردن غذا باشد و با تحقق این شرط است که مراد مولی حاصل می‌گردد.

۱. تکلیف دارای سه مرحله: ملاک، اراده و جعل حکم است.
۲. شروط تکلیف دو گونه‌اند: شرط وجوب و شرط واجب.
۳. شرط وجوب و شرط حکم در مراحل سه‌گانه تکلیف خود را نشان می‌دهند.
۴. شرط وجوب در مرحله ملاک را «شرط اتصاف» و در مرحله اراده را «شرط اراده» می‌نامند.
۵. شرط واجب در مرحله ملاک «شرط ترتب» و در مرحله اراده «شرط مراد» نامیده می‌شود.
۶. شرط اتصاف، شرط متصف شدن فعل به مصلحت است.
۷. شرط ترتب، شرط مترتب شدن مصلحت بر فعل در خارج است.
۸. شرط اراده، شرط تحقق اراده مولی برای صدور فعل است.
۹. مراد، شرط تحقق مراد مولی از فعل است.